



آسیب‌شناسی جریان اصلاح طلب

سعید حجاریان، تحلیلگر سیاسی در یادداشتی دو بخشی که بخش اول آن روز گذشته با عنوان «اصلاح طلبان؟ خیر، متشکر!» منتشر شده است، به آسیب‌شناسی آنچه امروز به عنوان جریان اصلاح طلب شناخته می‌شود پرداخته است، او در بخشی از این یادداشت نوشته است: «همه ما در سطوحی با مسئله‌ها، بحران‌ها و بعضاً فجایی دست به گریبان هستیم و برای مواجهه با آن‌ها به ابزارهایی متوسل می‌شویم. این ابزارها در مواقعی به حل مسئله و مدیریت بحران کمک می‌کنند و حتی قادر هستند از فجایع جلوگیری کنند و در برخی موارد واجد چنین کارکردی نیستند. به گمان من به سیاست نیز می‌توان از این منظر نگریست؛ یعنی مسئله‌ها، بحران‌ها و فجایی را فهرست کرد و سپس پرسید آیا ابزارها و ابتکارهای متعارف احزاب، جبهه‌ها و حتی افراد واجد کارکرد مثبتی هستند یا خیر؟» وی در ادامه این یادداشت به شکل‌گیری جریان اصلاح طلب اشاره کرده و آورده است: «از بدو تأسیس جمهوری اسلامی ایران، جریان‌هایی که ابتدا بنام چپ [خط امام] و سپس اصلاح طلب شناخته می‌شد، کوشیدند ضمن تلاش برای درک صحیح وضع موجود، به بخشی از راه حل تبدیل شوند. به عنوان نمونه در زمانی که گروه‌های سیاسی- نظامی عرصه سیاست و اجتماع را تسخیر کرده بودند، این جناح تلاش کرد بر وزن سیاست بیافزاید و از نظامی‌گری بکاهد یا به عبارتی از عرصه عمومی اسلحه‌زدایی کند که حاصل این تلاش به نظام دهه‌های دادستانی ختم شد. یا در دوره‌ای که نظام اطلاعاتی کشور به شکل پراکنده اداره می‌شد و هر گروه به‌صلاحت خود نسبت به عملکردش پاسخگو بود، تلاش شد نهاد اطلاعات کشور جمع شود و به عنوان یک وزارتخانه تحت اشراف قوه مقننه قرار بگیرد تا امر پاسخگویی ممکن شود. مضاف بر این‌ها می‌بایست به بحث زمان و مکان در فرقه حکومتی ارجاع داد؛ باب این امر ابتدا از سوی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و در پی سستی نگاه قوه سنتی بر نظام تقنینی و حل مسئله کشور گشوده شد اما بعدتر جریان روشنفکری دینی با تلاش مضاعف بر آن شد نگاه و کارکردی متفاوت به دین ببخشد و از قرائت‌های تئوکراتیک و حزم‌اندیشانه بکاهد و بر ابعاد دموکراتیک و دگرخواهانه بیافزاید.» پس از این اشارات حجاریان به وضعیت امروز اصلاح طلبان اشاره کرده و نوشته است: «اینک اما به نظر می‌رسد دو فاکتور... یعنی درک صحیح وضع موجود و نقش آفرینی به عنوان بخشی از راه حل، اگر نگوئیم به بن بست رسیده، دست‌کم با بحران اساسی مواجه شده‌اند. بحرانی که دامن‌گیر احزاب اصلاح طلب، جبهه اصلاحات ایران و... نیز شده، و بیم آن می‌رود چون آفت به‌سراغ ریشه‌ها نیز برود.» این تحلیلگر در ادامه تلاش کرده که درکی نسبتاً روشن از وضع موجود با «منطق موقعیت» این جریان ارائه دهد و بعد از شرح آن چنین آورده است: «با این اوصاف می‌توان این گونه ادعا کرد که احزاب اصلاح طلب و جبهه اصلاحات ایران (در وضعیت فعلی نشان) قادر نیستند گام مؤثری در جهت تقویت نظام ادراکی شبکه حامیان، در درجه اول و مخاطبان عام در درجه بعد بردارند.» حجاریان در ادامه به «نقش آفرینی به عنوان بخشی از راه حل» پرداخته است و طی توضیحاتی در ابتدا به تفکیک میان سیاست پایین‌دستی (low politics) و سیاست بالا (high politics) پرداخته و نوشته است: «اگر تا سال‌های پیش میان این دو سطح از سیاست تعادلی برقرار بود، اینک به نظر می‌رسد کفه سیاست بالادستی به سنگینی گرایش پیدا کرده است. بدین معنا که ساخت قدرت به ذیل اختیارات منصوص و حصری و حتی شوراهای قانونی/فراقانونی بسنده نکرده و خود رأساً به امور پایین‌دستی ورود کرده است. از دیگر سو، سیاست پایین‌دستی به‌حدی تنزل یافته است که اگر نگوئیم هیچ‌گونه امکان اثرگذاری بر آن مترتب نیست، دست‌کم باید بر اثرگذاری حداقلی آن تفاهم کنیم؛ آن هم در حد جوانان حزب رستاخیز که نهایتاً ذیل سیاست دفاع از مصرف‌کننده، آمار گران‌فروشی و گران‌فروشان را گزارش می‌کردند!» وی در بخش دیگر مطلبش تصریح کرده: «این وضعیت ترسیم شده سه پیامدار به دنبال دارد. نخست آن که کار ویژه اصلاح طلبان - که همان دیوار حائل (بالشتک ضربه‌گیر) میان جامعه و حکومت بود، از میان می‌رود. یعنی حاکمیت صرفاً خود را در برابر توده مردم می‌بیند و طبعاً «قهر» را بر سایر ابزارها رجحان می‌دهد. دوم آن که، جامعه به‌سوی نوعی خودبسندگی هدایت می‌شود و بی‌بستوانه و بدون تئوری و پیوستگی تاریخی به وادی عمل وارد می‌شود و به‌شکل اقتضایی عمل می‌کند... سوم آن که متعاقب این روند نوعی تصویرسازی دفرمه به نظام تحلیلی اصلاح طلبان تحمیل می‌شود.» حجاریان در پایان تأکید کرده است یادداشت دوم در راستای بیان چند پیشنهاد به عنوان راه حل برای مشکلات این جریان منتشر خواهد شد.

پایین‌تر است و در ۲۹ استان میزان ناراضی‌بیتی بیش از ۵۰ درصد به دست آمده است.

▼ ۶۰ درصد قابل ملاحظه

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده افزایش قابل ملاحظه ناراضی‌بیتی عمومی از وضعیت سیاسی کشور طی ۲۰ سال گذشته است و در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد جامعه از وضعیت سیاسی کشور ناراضی هستند. در حالی که میزان ناراضی‌بیتی در سال ۱۳۸۲ معادل ۴۱/۹ درصد بوده است و در سال ۱۳۹۴ نیز با یک کاهش محسوس به ۲۲/۲ درصد رسیده بود، اما این عدد در سال ۱۴۰۲ به ۶۰/۲ درصد رسیده است.

▼ چند ابهام

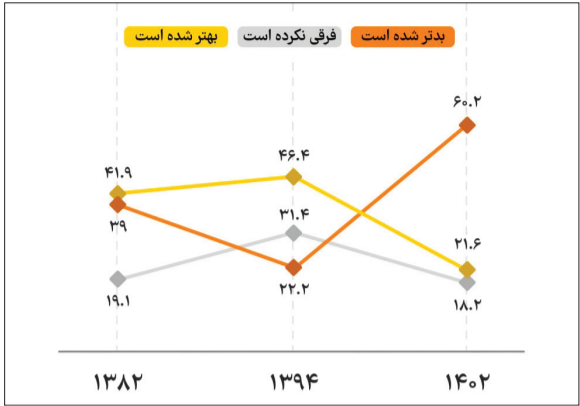
موضوع قابل ابهام در بخش نخست این پژوهش که مرکز شناخت نیز به آن اشاره کرده است، میهم بودن مفهوم «وضعیت سیاسی» که به عنوان سوال اصلی از شهروندان پرسیده شده، است. کشور ما از سال ۱۳۹۶ به بعد با چند موج مهم و تعیین‌کننده اعتراضی رویه‌ور بوده است که هر کدام خاستگاه سیاسی و اجتماعی و مدنی خاص خود را داشته‌اند. اعتراضات سال ۱۳۹۶ از شهر مذهبی مشهد آغاز شد و به دیگر شهرهای ایران نیز راه یافت؛ اعتراضاتی که با جنبه‌های سیاسی (گفته می‌شود از سوی اصولگراها) برنامه‌ریزی شده بود، اما خشم مردم برای طراحان غیر قابل پیش‌بینی بود و با توجه به مشکلات اقتصادی موجود در کشور به دیگر شهرها نیز سرایت کرد. در حالی که استان خراسان رضوی با ۵۶ درصد در رتبه بیست‌وچهارم میزان ناراضی‌بیتی از وضعیت سیاسی کشور قرار دارد. موج بعدی اعتراضات مردمی آبان ۹۸ همزمان با گرانی بنزین و سپس دی ماه سال ۹۸ و با سقوط هواپیمای اوکراینی رخ داد و موج اعتراضات بعدی به شهرپرو سال ۱۴۰۱ و پس از مرگ مهسا امینی باز می‌گردد. با توجه به موج اعتراضاتی که در استان‌های غربی، شمالی و مرکزی کشور رخ داد و درصد ناراضی‌بیتی به تفکیک استان‌ها و همچنین ناراضی‌بیتی بیشتر زنان نسبت به مردان، اینگونه به نظر می‌رسد که ذهنیت پاسخ‌دهندگان بر روی حوادث سال ۱۴۰۱ متمرکز بوده است و شاید بهتر بود، با طرح سوالات جزئی‌تر این وضعیت سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گرفت.

▼ پیش‌بینی وضعیت سیاسی در آینده نزدیک

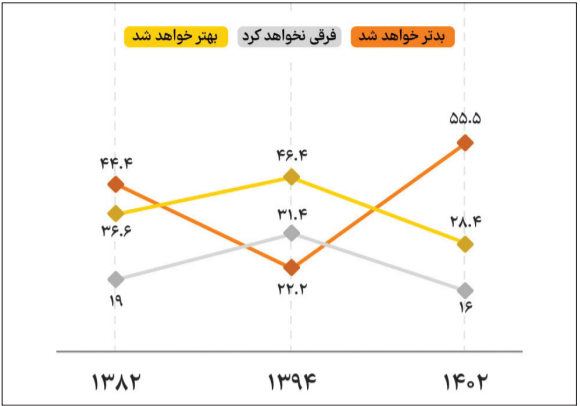
در بخش دوم این پیمایش، وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال آینده مورد بررسی و پیش‌بینی قرار گرفته است. در حالی که همچنان زنان (۵۶ درصد) بیش از مردان (۵۵/۱) معتقد به بدتر شدن وضعیت سیاسی کشور هستند، اما پیش‌بینی آنها نسبت به آینده در مقایسه با نظراتشان نسبت به گذشته تعدیل شده است. مردان (۲۹/۳ درصد) خوشبین‌تر از زنان (۲۷/۵ درصد) درباره بهبود وضعیت سیاسی کشور هستند و زنان (۱۶/۵ درصد) درباره به مردان (۱۵/۶ درصد) معتقدند شرایط هیچ فرقی نخواهد کرد.

▼ پیش‌بینی ادامه دار ناراضی‌بیتی با افزایش درآمد

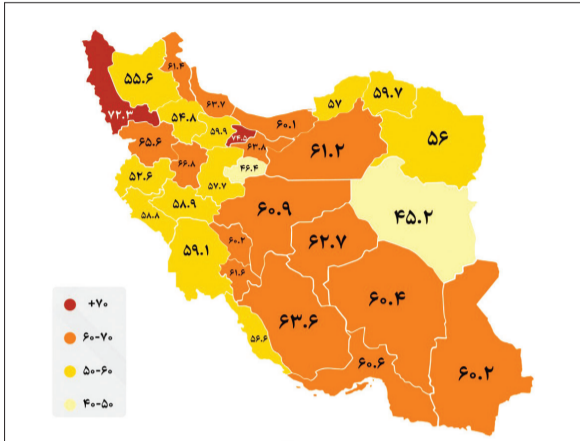
پیش‌بینی وضعیت سیاسی براساس درآمد نیز با وجود حفظ جایگاه براساس میزان درآمد (بیشترین ناراضی‌بیتی در بین افراد با درآمد بالای ۱۸ میلیون تومان) اما با چند درصد کاهش مواجه شده است. ۶۶/۵ درصد از افراد با درآمد بالای ۱۸ میلیون تومان پیش‌بینی کرده‌اند که وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال آینده بدتر خواهد شد، این درصد در بین افراد با درآمد ۱۸ تا ۱۸ میلیون تومان ۵۷/۸ درصد و در بین افراد با درآمد ۸ تا ۱۸ میلیون تومان ۴۹ درصد است. افراد با درآمد ۳ تا ۹ میلیون تومان نسبت به بهبود شرایط خوشبین‌تر هستند (۲۲/۲ درصد) و سپس افراد با درآمد ۹ تا ۱۸ میلیون تومان (۲۷/۴ درصد) و کمترین خوشبینی در بین افراد با درآمد بالای ۱۸ میلیون تومان است. با این حال، آنهایی که کمترین درآمد را دارند (۱۸/۸ درصد) بیش از همه معتقدند که وضعیت فرقی نخواهد کرد سپس افراد با درآمد ۹ تا ۱۸ میلیون تومان (۱۴/۸ درصد) و کمترین اعتقاد به عدم تغییر وضعیت نسبت به افراد با بیشترین درآمد (۱۳/۵ درصد) در این نظرسنجی است.



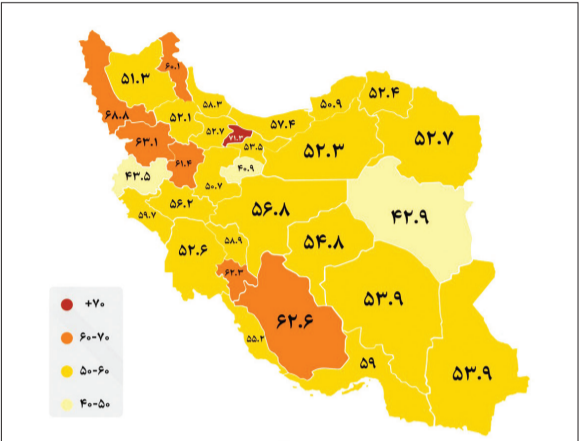
وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال گذشته - از نظر شما وضعیت سیاسی نسبت به پنج سال گذشته چه تغییری کرده است؟ (درصد)



وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال آینده - از نظر شما وضعیت سیاسی نسبت به پنج سال آینده چه تغییری کرده است؟ (درصد)



وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال گذشته - درصد افرادی که گفتند وضعیت سیاسی نسبت به پنج سال گذشته بدتر شده است.



وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال آینده - درصد افرادی که گفتند وضعیت سیاسی نسبت به پنج سال آینده بدتر شده است.

▼ میانسالان ناامید

اما پیش‌بینی ناراضی‌بیتی از وضعیت سیاسی در آینده براساس گروه‌های سنی تفاوت‌هایی کرده است. در حالی که بیشترین ناراضی‌بیتی در گذشته مربوط به نوجوانان و جوانان تا ۳۰ سال بوده، اما پیش‌بینی ناراضی‌بیتی در آینده در بین افراد ۳۰ تا ۵۰ ساله (۵۸/۷ درصد) بیشتر شده است و همچنان گروه سنی ۵۰ به بالا کمترین ناراضی‌بیتی را از آینده سیاسی کشور خواهند داشت (۴۹/۹ درصد). میان سال‌ها با ۲۴/۹ درصد بیش از همه خوشبین به بهبود وضعیت سیاسی کشور هستند در حالی که این خوشبینی در جایگاه دوم به ۱۵ تا ۲۰ ساله‌ها می‌رسد (۲۸/۸ درصد) و سپس ۳۰ تا ۵۰ ساله‌ها در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند (۲۸/۷ درصد).

براساس جنسیت

افراد شرکت‌کننده

در این پژوهش

۶۲/۳ درصد از

زنان شرکت‌کننده

در این پژوهش

معتقد هستند که

وضعیت سیاسی

کشور در ۵ سال

گذشته بدتر شده

است. ۱۸/۹ درصد

زنان معتقدند که

وضعیت فرقی نکرده

و ۱۸/۸ درصد

معتقد هستند که

وضعیت سیاسی

کشور نسبت به ۵

سال گذشته بهتر

شده است

▼ ناراضی‌بالی البرزی‌ها

ساکتین البرز با ۷۱/۳ درصد همچنان ناراضی‌ترین استان درباره وضعیت سیاسی کشور خواهند بود، پس از آن آذربایجان غربی (۶۸/۸ درصد)، کردستان (۶۳/۱ درصد)، فارس (۶۲/۶ درصد)، همدان (۶۱/۴ درصد) و اردبیل (۶۰/۱ درصد) در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. استان‌های قم (۴۰/۹ درصد)، خراسان جنوبی (۴۲/۹ درصد) و کرمانشاه (۴۲/۵ درصد) کمترین ناراضی‌بیتی نسبت به وضعیت سیاسی کشور را خواهند داشت.

▼ تفکر غالب

نگرش عمومی نسبت به وضعیت سیاسی کشور حاکی از آن است که بیش از نیمی از مردم (۵۵/۵ درصد) در سال ۱۴۰۲ معتقدند که وضعیت در ۵ سال آینده بدتر خواهد شد، حال آنکه این پیش‌بینی در سال ۱۳۹۴ بسیار کمتر بوده است (۲۲/۲ درصد). از سوی دیگر در حالی که ۲۸/۴ درصد معتقد به بهبود شرایط هستند، ۱۶ درصد نیز معتقدند که شرایط فرقی نخواهد کرد.

در این بخش پژوهش نیز ابهامات و سوالاتی مطرح است که دلایلی برای آنها اعلام نشده است. از جمله اینکه چه مسئله‌ای باعث شده است که پیش‌بینی‌ها نسبت به وضعیت سیاسی کشور در آینده اندکی بهبود پیدا کند و معیارهای بهبود وضعیت سیاسی در آینده چه خواهد بود؟

نسبی و یا توقعات فزاینده است. محرومیت نسبی و توقعات فزاینده در فقیرترین اقشار رخ نمی‌دهد چرا که آن‌ها تنها برای بقا تلاش می‌کنند. این طبقه متوسط است که بخش بزرگی از جامعه نیز هست، به شدت توقعات فزاینده و محرومیت نسبی برای آن‌ها مسئله‌ساز می‌شود. این طبقه متوسط شهری ایران است که در چند سال اخیر لحظه به لحظه در دامن فقر بیشتر می‌گردد و خود را در فشار بیشتر حس می‌کند. تورم فشار را بر روی طبقات متوسط می‌گذارد، نه بر طبقات خیلی بالا که از تورم روزبه‌روز ثروتمندتر می‌شوند و نه طبقه فقیر که گویی شرایط برای آن‌ها فرقی نکرده است. این گروه درآمدی که اشاره کردید دقیقاً طبقه متوسط است که با رنج حقوقی ۱۸ میلیون تومانی در گذشته امید داشت که بتواند یک ماشین برآید و یک خانه تهیه کند اما حالا این امید و آرزو در او وجود ندارد.

در این پیمایش، بیشترین ناراضی‌بیتی در بین استان‌ها ابتدا برای البرز و سپس آذربایجان غربی ثبت شده است. اکثر اینگونه مطرح بوده است که پایتخت ایران از شناخت سیاسی بالاتری برخوردار است و ناراضی‌بیتی

سیاسی در آن بیشتر است اما چرا استان مجاور تهران با این حجم از ناراضی‌بیتی و از آن طرف یک استان غربی و مرز نشین ایجاد می‌شود؟ اگر نتایج در استان‌ها را معنی‌دار بدانیم، تفاوتی در استان البرز به این دلیل است که در ۵۰ سال گذشته البرز مجموعه‌ای از روستاها بوده و حتی یک شهر نیز نبوده است و حالا به عنوان یک کلانشهر از شهرهای بزرگ ما همچون اصفهان و شیراز پرجمعیت‌تر است. این بدان معناست که در این استان بیشتر افراد مهاجر هستند، البته مهاجرینی که به‌خاطر تهران آمده‌اند و سر از البرز درآورده‌اند و پایگاه اجتماعی و پیشینه آن‌ها از یک طرف نشان می‌دهد که جزو خرده‌بوروازی فرازجوی هستند و از طرف دیگر نتوانستند به ایده‌آل‌ها و آرمان‌هایی که می‌خواستند با مهاجرت به آن برسند و در استان البرز که در واقع به شهر کرج خلاصه می‌شود این نتایج قابل پیش‌بینی است. همین مسئله در استان آذربایجان غربی به شکل دیگری وجود دارد. آذربایجان غربی نیز یک استان ناهمگن از نظر قومی و مذهبی است و در عین حال این استان از نظر منابع مختلف غنی است اما آن بهره‌ای که باید در سیاست و اشتغال کشور داشته باشد را هیچ‌گاه نداشته و یک استان حاشیه‌ای شده است و از طرفی مردم این استان از مسئله دریاچه ارومیه نیز به شدت رنج می‌برند چرا که یکی از منابع اصلی خود را به‌شدت در معرض نابودی می‌بینند و همه اینها باعث می‌شود این استان نیز به‌رغم آنکه از نظر فرهنگی، تحصیلاتی و تاریخ سرآمد است، احساس عقب‌ماندگی و محرومیت داشته باشند.

در بخش دیگری از این پیمایش بر مبنای میزان درآمد میزان ناراضی‌بیتی از وضعیت سیاسی کشور بررسی شده بود که بیشترین ناراضی‌بیتی را متوجه گروهی که از درآمد بالاتری برخوردار بودند (بیش از ۱۸ میلیون تومان) دانسته و کمترین ناراضی‌بیتی متعلق به گروه با کمترین درآمد (بین ۹ تا ۹ میلیون تومان) بود. با توجه به اینکه شاهد هستیم بخش زیادی از گستردگی ناراضی‌بیتی‌ها در کشور در پی مشکلات اقتصادی و معیشتی ایجاد شده، چرا در گروه با درآمد بالاتر، ناراضی‌بیتی از وضعیت سیاسی بیشتر است؟

در تمام تحقیقاتی که در مورد جنبش‌های اعتراضی در دنیا رخ داده، صاحب‌نظران همگی تأکید دارند مبنای ناراضی‌بیتی‌ها در جنبش‌ها و اعتراضات، به هیچ‌وجه فقر نیست. اگر فقر موجب ناراضی‌بیتی می‌شود، در خیلی از کشورها و جوامع دائم باید شاهد اعتراض می‌بودیم. برای نمونه کشور هند را در نظر بگیرید که شرایط حدود ۳۰۰ میلیون نفر در این کشور از خط فقر پایین‌تر هم هست اما شاهد اعتراضی در مورد این آدم‌های بسیار فقیر نیستید. جامعه‌شناسی می‌گوید آنچه که باعث اعتراض می‌شود محرومیت

